



فیلمنامه نویسی برای پرمشغله‌ها |
پیلار آلساندررا |
ترجمه: نریمان افشاری |
ویراستار: خشایار قشقایی |
نمونه خوان: نگار کیا مقدم |

مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش تصاعدیان |

مدیر تولید: مصطفی شریفی |

چاپ اول | ۱۳۹۹ تهران | ۱۰۰۰ نسخه |

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۶۳-۱۱-۷ |

Bidgol Publishing co. |  | سعریبیدگل |

تلفن انتشارات: ۲۸۴۲ ۱۷ ۱۷ |

فروشگاه | تهران | خیابان انقلاب | بین ۱۲ فروردین و فخر رازی | پلاک ۱۳۷۴ |

تلفن فروشگاه: ۶۶ ۹۶ ۳۶ ۱۷ ، ۶۶ ۴۶ ۳۵ ۴۵ |

bidgolpublishing.com |

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. |

| فهرست |

۷	یادداشت مترجم
۱۱	مقدمه
۱۳	در باب ویراست دوم
۱۵	روش استفاده از این کتاب
۱۷	فصل یک: داستان
۴۳	فصل دو: ساختار
۶۱	فصل سه: طرح کلی
۱۰۵	فصل چهار: شخصیت‌ها
۱۲۵	فصل پنج: پیش‌نویس اولیه
۱۵۹	فصل شش: دیالوگ
۱۷۹	فصل هفت: بازنویسی
۲۳۱	فصل هشت: استادکاری
۲۶۱	فصل نه: ویرایش نهایی
۲۷۷	فصل ده: ارائه
۳۰۹	فید اوت
۳۱۱	نویسنده‌ها از نشست ده دقیقه‌ای می‌گویند

| یادداشت مترجم |

چرا یک کتاب فیلمنامه‌نویسی دیگر؟

با وجود تعداد قابل توجه کتاب‌هایی که در باب فیلمنامه‌نویسی به زبان فارسی ترجمه یا به‌ندرت تألیف شده‌اند این پرسش به ذهن می‌آید که چرا یک کتاب دیگر؟ چنین پرسشی پیش از هر چیز در سطح بین‌المللی، به‌ویژه در حوزه انگلیسی‌زبان مطرح است که آمار کتاب‌های آن قابل مقایسه با کتاب‌های موجود به زبان فارسی نیست و با این حال همه‌ساله حجم قابل توجهی بر آن افزوده می‌شود و در آن میان کتاب‌هایی که رویکرد جدیدی به فیلمنامه دارند یا شیوه آموزشی جدیدی به کار می‌برند با اقبال مخاطبان – چه تازه‌کار و چه حرفه‌ای‌های این حوزه – مواجه می‌شوند. کتاب حاضر را نیز می‌توان در زمره این دست کتاب‌ها تلقی کرد که ویژگی‌های خاصش آن را متمایز می‌کند و نگارنده این سطور، نمونه مشابهی برای آن در زبان فارسی سراغ ندارد.

مهم‌ترین ویژگی متمایز این کتاب شکل آموزش آن است که از یک کتاب آموزشی فراتر می‌رود و کیفیتی کارگاه‌گونه پیدا می‌کند. زمان‌بندی درست برای پاسخ‌دادن به سؤال‌های احتمالی، طرح درست و دقیق تمرین‌هایی برای جابجایی موضوع مورد بحث و لحن روان و صمیمی نویسنده در طرح مطالب چنان است که خواننده در

تمام طول کتاب می‌تواند حضور نویسنده را همچون استادی که در کارگاه نویسندگی حاضر است، در کنار خود احساس کند.

ویژگی دیگر کتاب کیفیت بسیار کاربردی آن است که فارغ از نظریه‌پردازی‌ها و کلی‌گویی‌های معمول درباب ماهیت فیلمنامه و عناصر آن به کاربردی‌ترین وجه ممکن صرفاً به چیزهایی می‌پردازد که می‌توانند در روایت یک داستان بصری با ساختاری منسجم مفید باشند. افزون بر این، پرسش‌هایی که در کتاب طرح می‌شود تمرین‌هایی آموزشی نیستند، بلکه درواقع، ابزارهایی‌اند که پاسخ به آن‌ها اجزای مختلف فیلمنامه را مشخص می‌کند.

خواننده، خواه نویسنده‌ای حرفه‌ای باشد یا کسی که تازه‌حال هیچ تجربه‌ای در این حیطه ندارد، می‌تواند با پاسخ‌دادن به پرسش‌های نویسنده و دنبال‌کردن شیوه او در این کتاب درنهایت یک فیلمنامه کامل بنویسد. هرچه پاسخ‌ها دقیق‌تر و با موضوع مرتبط‌تر باشد فیلم‌نامه نهایی منسجم‌تر خواهد شد. به این معنا، کتاب حاضر صرفاً کتاب آموزش فیلم‌نامه‌نویسی نیست، بلکه نوعی کتاب راهنما است برای فیلمنامه‌نویسان تازه‌کار و نیز حرفه‌ای که برای نوشتن هر پروژه می‌توانند دستورالعمل‌های آن را دنبال کنند و به فیلم‌نامه‌ای منسجم دست یابند.

نویسنده تمام جنبه‌های مختلف فیلمنامه‌نویسی را مد نظر دارد (داستان، ساختار، طرح کلی، شخصیت‌ها، پیش‌نویس اولیه، دیالوگ‌ها، بازنویسی در مراحل مختلف، پرداخت و ویرایش نهایی، و حتی معرفی و فروش فیلمنامه) و برای غنابخشیدن به هر عنصر گام به گام پیش می‌رود و تمهیداتی پیشنهاد می‌کند. اما مخاطب برای به کار بستن آن تمهیدات لازم نیست که به شیوه عملکرد و ماهیت آن تمهیدات تسلط تام و تمام بیابد، امری که احتمالاً مستلزم سال‌ها مطالعه و تجربه در این حوزه است. تنها کاری که مخاطب (یا نویسنده بعد از این) لازم است انجام دهد پاسخ‌دادن به پرسش‌ها و پرکردن جاهای خالی در جدول‌هایی است که نویسنده در این کتاب گنجانده است. با این حال منحصربه‌فردترین جنبه این کتاب نه طرح پرسش‌ها و نه ساده‌سازی و همه‌فهم کردن روند فیلم‌نامه‌نویسی، بلکه استفاده از شیوه نشست‌های ده‌دقیقه‌ای

است. در واقع نویسنده مدعی است (و در عمل هم با برنامه‌ریزی دقیق برای این کار نشان می‌دهد) که اگر نویسنده فرضی روزانه یک یا دو فرصت ده دقیقه‌ای در اختیار داشته باشد (که تقریباً در اختیار هرکسی است) می‌تواند ظرف چند ماه یک فیلمنامه کامل بنویسد.

برنامه‌ریزی دقیق نویسنده و در نظر گرفتن پرسش‌هایی که واقعاً بتوان در ده دقیقه به آن‌ها پاسخ داد کار را برای مخاطب ساده می‌کند. نویسنده - خانم پیلار الساندره که مدرس و مشاور فیلمنامه‌نویسی است - این ده دقیقه‌ها را از جهتی دیگر هم مفید می‌داند و آن ایجاد چیزی است که از نظر او برای هر فیلمنامه نویسی امری ضروری است، یعنی ضرب‌الاجل. او معتقد است وقتی نویسنده‌ای محدودیت زمانی دارد با خلاقیت بیشتری می‌نویسد و به شکلی ناخودآگاه الهامات درونی‌اش را در لحظه به کار می‌گیرد و بهترین عملکرد را می‌تواند داشته باشد. به هر روی همواره به هر روشی می‌توان نقدهایی وارد کرد و ایرادهای آن را از نظرگاه‌های مختلف برشمرد.

روش انجام هر کار و نیز شیوه آموزش آن روش هیچ‌گاه امری خنثی نیست و نمی‌تواند فارغ از استلزامات و تضمّنات کلی‌تر باشد. به بیان دیگر، در پس هر شیوه عمل یک دید کلی و گاه حتی یک جهان بینی نهفته است، با انبوهی از علایق و منافع دانسته یا نادانسته‌ای که با آن کار و نحوه انجام و ترویج آن تنیده است. روش پیشنهادی این کتاب نیز از این امر مستثنا نیست. صرف نظر از هر قضاوتی که در خصوص روش آموزش داده شده در این کتاب داشته باشیم، این روش ده دقیقه‌ای که بیش از حرفه‌ای‌ها مستقیماً آماتورها و علاقه‌مندان فیلمنامه‌نویسی را خطاب قرار داده، در بستری نضج گرفته است که در آن نگاهی خاص به سینما و فرهنگ - نگاه به اصطلاح هالیوودی - غلبه دارد، بستری که شاید بتوان گفت سازنده، مروج و نیز نقطه اوج تحقق چیزی است که زمانی به آن رؤیای آمریکایی می‌گفتند و امروزه بیراه نیست اگر رؤیایی جهانی دانسته شود. امروزه دیگر در هر نقطه از جهان این باور وجود دارد که ورود به دنیای سینما می‌تواند زندگی یک فرد عادی جامعه را زیر و زبر کرده، او را از همه مواهب مادی، و چه بسا معنوی زندگی برخوردار سازد. بدیهی است که این

نوع نگاه، نوع خاصی از سینما را نیز مدنظر دارد و به‌طور غیرمستقیم ترویج می‌کند، سینمایی که عمدتاً بخشی از صنعت یا جهان سرگرمی‌سازی است و نزد همگان نیز به این عنوان شناخته می‌شود. به عبارت دیگر، روش فیلمنامه‌نویسانه مطلوب و ترویج‌شده در این کتاب نوعی از داستان‌گویی و روایت‌گری را فرض گرفته که هرچند در نگاه برخی به‌عنوان روش و شیوه «کلاسیک»، «غالب» و حتی «جهان‌شمول»، شناخته می‌شود اما در نهایت خود فقط یکی از شیوه‌ها در کنار سایر روش‌ها و شیوه‌هاست. اما حتی این گروه اخیر، یعنی کسانی که از حیث ذوق هنری و نحوه انجام کار به روش‌ها، شیوه‌ها، روندها و نیز قراردادهای «بدیل» باور دارند و نوع دیگری از سینما را در سر می‌پرورند، نیز می‌توانند از این کتاب بهره‌هایی ببرند و با تمرکز بر تکنیک‌های منسجم‌تر کردن داستان و ساختار و شخصیت‌های فیلمنامه، به نحوی از انحا، حتی چه‌بسا به‌گونه‌ای سلیبی، به سینمای مطلوب خود بپردازند.

در کنار نکات مفید فنی و جذابیت‌های تکنیکی این شیوه، جذاب‌ترین نکته فرهنگی آن از نظر مترجم این است که می‌تواند افراد عادی را—که به‌طور معمول جایی در این حوزه ندارند و خود نیز چنین نمی‌پندارند که توانایی نوشتن فیلمنامه را داشته باشند—در این کار دخیل کند و به آنان نیز راهی برای ورود به جهان، یا رؤیای پیش‌گفته بگشاید. بسیار هیجان‌انگیز خواهد بود که کارگری که ناگزیر است دو شیفت یا بیشتر در روز کار کند، یا راننده صبح تا شام اسنپ، یا مادری—شاید سرپرست خانوار—که به‌زور می‌تواند نشست‌های ده دقیقه‌ای در روز برای خودش مهیا کند، با استفاده از روش این کتاب فیلمنامه‌ای بنویسد که صدای خود را در آن منعکس کند و تجربه زیسته‌اش را بازتاب دهد. رؤیاپردازی است؛ اما شاید این کار بتواند مقدمه‌ای باشد برای نوع دیگری از سینما. دوستداران سینما می‌دانند که همواره رؤیایی لازم است؛ هرچند نوعی دیگر.

| مقدمه |

ده دقیقه داری. نه، واقعاً، فقط همین قدر وقت داری. به هر حال وقت ناهار باید غذا بخوری. باید به فلان جلسه برسی. باید فلان تلفن را بزنی. باید بچه‌ها را حمام کنی. کارهایی هست که باید انجام بدهی و وقتی برایشان نداری.

اما حالا ناهارت را تندتند خورده‌ای، جلسه‌ات که اصلاً نمی‌دانی چرا از اول قبولش کردی تمام شده، و بچه‌ها را حمام کرده‌ای. احتمالاً تصمیم گرفته‌ای حالا نفس عمیقی بکشی و بنشین و تمرکز کنی... شاید ده دقیقه کامل، شاید روی فیلمنامه‌ات. فیلمنامه‌ات را یادت هست؟ همان داستان تصویری فوق‌العاده‌ای که جانت درمی‌رود برای تمام کردنش... یا شروع کردنش. همان که هر وقت از سالن سینما خارج می‌شوی به خودت هزار جور غر نوشتنش را می‌زنی و می‌گویی که «من هم می‌توانم این کار را بکنم!»

فکر می‌کنی این کار روزها، هفته‌ها، و سال‌ها وقت لازم دارد که تو نداری. فکر می‌کنی لازم است یک عالم نظریه بخوانی و طرح‌های طولانی بریزی و هر کلمه را، پیش از آنکه روی کاغذ بیاید، با دقت انتخاب کنی. فکر می‌کنی که تو اصلاً وقت نداری که حتی به یک ایده فکر کنی، چه برسد به اینکه بخواهی آن را بنویسی. و تو فقط ده دقیقه وقت داری. ده دقیقه زِ پرتی.

خب، همین کافی است.

کاش هر فیلمنامه نویسی به خوش‌شانسی تو بود. این ده دقیقه برایت «اجبار زمانی» ایجاد می‌کند و این چیزی است که هر فیلمنامه نویسی به‌طور مخفیانه نیاز دارد: ضرب‌الاجل.

من، در مقام یک معلم فیلمنامه‌نویسی، مدافع شیوه نوشتن در کلاس هستم که آدم‌ها را وامی‌دارد در لحظه بنویسند. به دانشجویها ده دقیقه وقت می‌دهم که کل صحنه‌ها را بنویسند و آنها معمولاً شاهکار خلق می‌کنند. و دیده‌ام که وقتی به نویسندگان پنج دقیقه اضافه را که طلب می‌کنند، می‌دهم چه می‌کنند: زیادی می‌نویسند. بیش‌ازحد فکر می‌کنند. می‌خواهند چیزهای سالم را درست کنند و خودشان را در متن گیر می‌اندازند.

خوشبختانه تو فقط ده دقیقه وقت داری. هیچ انتخابی نداری جز اینکه اثری خلق کنی خودانگیخته و تازه. فقط به کمی کمک نیاز داری که از زمانت به‌خوبی استفاده کنی.

منتشر بیدگل